

**Critical Discourse Analysis (CDA) of Satirical Works of
Sky and String by Iraj Pezeshkzad and *Notes without
History* by Javad Mojabi, Based on the
Van Leeuwen Model**

Mahbood Fazeli*

Mehrnaz Asgari**

Abstract

This study tries to deal with the effect of political, social, and ideological currents, and power relations on the discourse of selected satirists' works, and the degree of their words' explicitness and implicitness. These satirical works were written between 1953-1978. Moreover, this study aims to analyze the effect of various events and currents of this period such as coups, the spread of the discourse of absolute Pahlavi modernism, the expansion of political restrictions on Satire's discourse, and the words' explicitness and implicitness of mentioned satirists. Using components of Van Leeuwen's model such as categorization, impersonalization, nomination, etc., this article examines the methods of representing actors in satirical works and explains and analyzes their relationship to the prevailing powers and ideologies. The research results show that the implication of categorization has the highest frequency in all works; as satirists represent most actors based on their occupation, social status, gender, etc. By applying the exclusion component, they

* Associate professor and Faculty Member, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran, ma.fazeli@alzahra.ac.ir

** Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Al-Zahra University, Tehran, Iran (corresponding author), mehrnazasgari1986@gmail.com

Date received: 2022/06/12, Date of acceptance: 2023/01/24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

avoid criticizing the institution of the monarchy and clericalism. This can be justified by factors such as the prevalence of the discourse of absolute Pahlavi modernism, Shiite resistance, lack of political development, fear of the danger of excommunication of clericalism, and the precautionary thinking of these satirists. Furthermore, the explicitness and application of the nomination component are often reflected in the field of cultural, literary, and social satire

Keywords: Critical Discourse Analysis, Iraj Pezeshkzad, Javad Mojabi, Van Leeuwen's Model, Satire.

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون از ایرج پزشکزاد و یادداشت‌های بدون تاریخ از جواد مجابی بر پایه الگوی ون لیوون

مهرداد فاضلی*

مهرناز عسگری**

چکیده

مسئله این پژوهش این است که جریان‌های سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، و مناسبات قدرت چه تأثیری در گفتمان آثار طنزپردازان برگزیده و میزان صراحت و پوشیدگی کلام آنان داشته است. این آثار طنزآمیز در برهه زمانی ۱۳۳۲-۱۳۵۷ به نگارش درآمده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر وقوع روی‌دادها و جریان‌های گوناگون این دوره زمانی چون کودتا، رواج گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی، گسترش محدودیت‌های سیاسی در گفتمان طنز، و میزان صراحت و پوشیدگی کلام طنزپردازان یادشده است. در این مقاله، با کاربرد مؤلفه‌های الگوی ون لیوون، هم‌چون طبقه‌بندی، تشخیص‌زدایی، و نام‌دهی، شیوه‌های بازنمایی کنش‌گران در آثار طنزآمیز بررسی و ارتباط آن‌ها با قدرت‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم تبیین و تحلیل شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه پوشیده‌گویی طبقه‌بندی در همه آثار بیش‌ترین بسامد را دارد؛ چنان‌که طنزپردازان بیش‌تر کنش‌گران را براساس شغل، منصب اجتماعی، جنسیت، و ... بازنمایی می‌کنند. آنان، با

* دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، ma.fazeli@alzahra.ac.ir

** گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mehrmazgari1986@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کاربرد مؤلفه حذف، از انتقاد در برابر نهاد سلطنت و روحانیت اجتناب می‌کنند. این امر را می‌توان با عواملی چون رواج گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و مقاومت شیعی، توسعه نیافتن سیاسی، بیم از خطر تکفیر روحانیون، و احتیاط‌اندیشی این طنزپردازان توجیه کرد. صراحت‌گویی و کاربرد مؤلفه نام‌دهی نیز غالباً در حوزه طنز فرهنگی، ادبی، و اجتماعی بازتاب می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: الگوی ون لیوون، ایرج پزشکزاد، تحلیل انتقادی گفتمان، جواد مجابی، طنز.

۱. مقدمه

موضوع این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان^۱ (critical discourse analysis) آثار طنزآمیز آسمون ریسمون از ایرج پزشکزاد و یادداشت‌های بدون تاریخ از جواد مجابی بر پایه الگوی ون لیوون (Van Leeuwen 1996) است. هدف اصلی در نوع ادبی طنز اصلاح معایب و نابه‌سامانی‌های حوزه‌های گوناگون زندگی است. بدین ترتیب، طنز، باتوجه‌به هدف ارزش‌مندی که دارد، ژانر ادبی مهمی انگاشته می‌شود. نگارندگان در این مقاله نیز، باتوجه‌به اهمیت نوع ادبی طنز، بر آن‌اند تا تأثیر مناسبات قدرت و ایدئولوژی‌های حاکم بر دوره پس از کودتای سال ۱۳۳۲ تا پایان حکومت پهلوی دوم را در گفتمان آثار طنزآمیز یادشده نقد و بررسی کنند.

مسئله این پژوهش این است که جریان‌های سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، و مناسبات قدرت در سال‌های پس از کودتای سال ۱۳۳۲ تا پایان سلطنت پهلوی دوم چه تأثیری در گفتمان آثار طنزآمیز ایرج پزشکزاد و جواد مجابی و میزان صراحت و پوشیدگی کلام آنان داشته است.

ایرج پزشکزاد و جواد مجابی، دو طنزپرداز برجسته دوره معاصر، در سال‌های فعالیت خود آثار گوناگونی در قالب کتاب و مقالات طنزآمیز منتشر کرده‌اند. در این مقاله دو اثر طنزآمیز برگزیده از آنان نثر است و در حوزه طنز مطبوعاتی. ملاک نگارندگان مقاله برای انتخاب آثار این طنزپردازان، علاوه بر شاخص بودن، توجه به دوره زمانی نگارش آن‌ها نیز بوده است. این آثار در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران معاصر، یعنی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷، به‌نگارش درآمده و از آبشخورهای مشترک سیاسی، اجتماعی، و ... سرچشمه گرفته‌اند. در این دوره زمانی، روی‌دادها و جریان‌های گوناگونی چون کودتای سال ۱۳۳۲، توسعه نیافتن سیاسی، سرکوب مخالفان، و تثبیت دیکتاتوری سلطنتی به‌وقوع می‌پیوندد.

هدف از این پژوهش نیز بررسی تأثیر ایدئولوژی‌های حاکم و وقوع روی‌دادها و جریان‌های گوناگون این دوره زمانی است؛ از جمله کودتا، رواج گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی، و گسترش محدودیت‌های سیاسی بر گفتمان طنز. در این مقاله به اهمیت کنش‌گران موجود در آثار طنزآمیز توجه شده است، زیرا غالباً در گفتمان طنز مواضع، اقدامات، و عملکردهای کنش‌گران قشرها و طبقات مختلف جامعه هدف انتقاد قرار می‌گیرد. الگوی ون لیوون مؤلفه‌هایی در زمینه روش‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی (social actors) ارائه می‌دهد. بدیهی است که شیوه بازنمایی کنش‌گران نیز از جریان‌های سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژی‌ها، و قدرت‌های حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد. نگارندگان نیز در این پژوهش از مؤلفه‌های این الگو برای بررسی کنش‌گران بهره می‌گیرند تا بر مبنای چگونگی بازنمایی آنان تأثیر باورداشت‌ها و مناسبات قدرت را در گفتمان آثار طنزآمیز منتخب نقد و بررسی کنند. همچنین، مؤلفه‌های الگوی ون لیوون امکان بررسی میزان صراحت و پوشیدگی کلام را فراهم می‌کند. نگارندگان نیز در این مقاله، با کاربست این الگو، برخلاف پژوهش‌های پیشین، به تأثیر عوامل یادشده در میزان صراحت و پوشیده‌گویی این آثار طنزآمیز می‌پردازند؛ این که طنزپردازان کدام گروه از کارگزاران را با صراحت‌گویی بازنمایی و در بازنمایی کدام گروه از کنش‌گران جانب احتیاط را رعایت می‌کنند.

این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

۱. مناسبات قدرت و ایدئولوژی‌های حاکم بر دوره پس از کودتای سال ۱۳۳۲ تا پایان حکومت پهلوی دوم چه تأثیری در شیوه بازنمایی کارگزاران و میزان صراحت و پوشیدگی کلام دو طنزپرداز منتخب داشته است؟
۲. کنش‌گران موجود در آثار طنزآمیز منتخب با کدام یک از مؤلفه‌های الگوی ون لیوون بیش‌تر مطابقت دارد؟

فرضیه‌های این پژوهش بدین شرح است:

۱. با حاکم شدن فضای بسته سیاسی در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ میزان پوشیده‌گویی در حوزه طنز سیاسی افزایش می‌یابد. طنزپردازان غالباً در انتقاد از کنش‌گران اجتماعی و ادبی به صراحت‌گویی تمایل می‌یابند. رواج گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و مقاومت شیعی نیز موجب شده است تا طنزپردازان از انتقاد از نهاد قدرت مذهبی و سلطنتی پرهیز کنند.

۲. در برهه زمانی ۱۳۳۲ تا پایان حکومت پهلوی دوم، کنش‌گران موجود در آثار منتخب طنزآمیز با مؤلفه‌های پوشیده‌گویی چون طبقه‌بندی و تشخیص‌زدایی مطابقت بیش‌تری دارند. روش پژوهش: آثار منتخب طنزآمیز به‌طور کامل مطالعه و انواع قدرت‌ها، گرایش‌ها، و ایدئولوژی‌های انعکاس‌یافته در کل متون مشخص شده است. سپس، کنش‌گران موجود در آثار براساس مؤلفه‌های الگوی ون لیوون استخراج و ارتباط شیوه‌بازنمایی آن‌ها با ایدئولوژی‌ها و مناسبات قدرت تبیین و تحلیل شده است. هم‌چنین، میزان صراحت و پوشیدگی کلام مشخص و تأثیر عوامل یادشده بر این صراحت و پوشیدگی بررسی شده است. در زمینه بررسی کمی نیز، نمونه‌های مؤلفه‌های گفتمان‌مدار الگوی ون لیوون و میزان پوشیدگی کلام در آثار طنزآمیز به‌صورت بسامد و درصد محاسبه شده است.

گفتنی است در استخراج نمونه‌های مؤلفه‌های گفتمان‌مدار الگوی ون لیوون، به‌دلیل کثرت کنش‌گران موجود در آثار طنزآمیز و اجتناب از گسترده‌شدن مقاله، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و تصادفی سیستماتیک استفاده شده است. حجم کتاب/سمون ریسمون حدود ۲۷۵ صفحه و کتاب *یادداشت‌های بدون تاریخ* ۱۵۰ صفحه است. در این مقاله از هر اثر طنزآمیز صد صفحه انتخاب و مؤلفه‌های الگوی ون لیوون نیز از این پیکره استخراج شده است.

در بخش بحث و بررسی، به‌دلیل شمار گسترده کنش‌گران و محدودیت حجم مقاله، ذکر همه این نمونه‌ها امکان‌پذیر نبود. بنابراین، صرفاً به تحلیل و بررسی چند نمونه محدود از شیوه‌بازنمایی کنش‌گران براساس مؤلفه‌های این الگو اکتفا شده است.

به‌دلیل محدودیت حجم مقاله و زیادتی مؤلفه‌های الگوی ون لیوون نیز، صرفاً از مؤلفه‌های شاخصی چون حذف، تشخیص‌زدایی، جنس ارجاعی، طبقه‌بندی، نامشخص‌سازی و مشخص‌سازی چندموردی، نام‌دهی، نوع ارجاعی، پیوندزدن، و تفکیک‌کردن در تحلیل و بررسی آثار طنزآمیز بهره گرفته شده است.

۲. پیشینه تحقیق

اعظم ابدالی و جهانگیر صفری (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی رمان شب ملخ اثر جواد مجابی از منظر شگردهای طنزپردازی» بیان می‌کنند که کاربرد شگردهای طنزپردازی تناقض‌گفتمانی، ناسازگاری‌های واژگانی، اعمال غیرعادی، استدلال‌های خلاف انتظار توسط

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهرداد فاضلی و مهرناز عسگری) ۱۹۵

راوی، کنایه و تناقض موقعیتی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، و به‌کارگیری عبارات طنزآمیز در اثر یادشده است. این شگردها غالباً در خدمت مضامین اصلی رمان قرار گرفته و بر جذابیت آن افزوده‌اند.

اطهر تجلی و طاهره نعمت‌الهی (۱۳۹۲) در مقاله «تکنیک‌های طنزآفرینی در آثار ایرج پزشکزاد» نشان می‌دهند که شگردهای طنزپردازی بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، طعنه، و تعلیل طنزآمیز در آثار پزشکزاد بیش‌ترین بسامد را دارد. در کتاب آسمون ریسمون نیز تکنیک‌های نقیضه، شیوه لغت‌نامه‌ای، و نقل قول مستقیم بیش‌تر مشاهده می‌شود.

مهدی خسروی و علی‌اکبر امینی (۱۳۹۸) در مقاله «نقش طنز مطبوعاتی در آگاهی جامعه و نقد عملکرد نهادهای قدرت (مطالعه موردی: انتخابات مجالس شورای ملی در دوران پهلوی دوم)» نشان می‌دهند که در سلطنت پهلوی دوم انتقاد از مجلس و نمایندگان افزایش یافته است. نشریات طنزآمیز از آزادی حاکم بر سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ استفاده و مسائل سیاسی و اجتماعی را در قالب بیان هنری ارائه کرده‌اند، اما پس از کودتا به دلیل تثبیت قدرت دربار و حاکمیت شاه این روند دچار وقفه شده است.

فریبا رشیدی و رضا صادقی شهپر (۱۳۹۹) در مقاله «شیوه‌های نام‌گذاری عنوان‌ها و شخصیت‌های داستانی در داستان‌های معاصر (مطالعه موردی: داستان‌های ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی، فریدون تنکابنی)» نشان می‌دهند که نویسندگان یادشده از شیوه‌های بازی با نام‌ها، تضاد، ترادف، و نیز نام‌های تاریخی و مشهور برای نام‌گذاری شخصیت‌های داستانی خود بهره گرفته‌اند.

با بررسی‌های انجام‌شده، هیچ پژوهشی مبنی بر تحلیل انتقادی گفتمان آثار منتخب طنزآمیز ایرج پزشکزاد و جواد مجابی براساس الگوی ون لیوون مشاهده نشد. بنابراین، در این مقاله با رویکردی تازه به نقد و بررسی این آثار پرداخته می‌شود.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

«طنز» از مهم‌ترین انواع شوخ‌طبعی به‌شمار می‌رود و درباره آن تعاریف گوناگونی ارائه شده است. براساس نظریه تفوق، هنگامی که در معایب و زشتی‌های دیگران بزرگ‌نمایی می‌شود و ما خود را از آن زشتی‌ها مبراً می‌بینیم، احساس برتری می‌کنیم (کریچلی ۱۳۸۴: ۱۱). عامل خنده نیز احساس برتری از دیگری است (موریل ۱۳۹۲: ۴۲). براساس نظریه

ناهماهنگی، «طنز از طریق ایجاد واقعیتی بدیع و تغییر شرایط ما بر توقعات و انتظارات معمول ما خط بطلان می‌کشد» (کریچلی ۱۳۸۴: ۹). براساس نظریه آرامش، «خنده آزادشدن انرژی عصبی پس‌رانده شده است» (موسوی ۱۳۸۸: ۱۳). طنز تنش اضافی را رها می‌کند و باعث تسکین فشارها و رفع مشکلات روزمره می‌شود (صدر ۱۳۹۵: ۳۰۷).

به‌طور کلی، مفهوم طنز را چنین می‌توان تعریف کرد: طنز یکی از گونه‌های ادبی است که اساس آن بر ناهماهنگی با نظام و قراردادهای ذهنی استوار است. محتوای اصلی طنز انتقاد از جنبه‌های گوناگون زندگی بشر است. طنزپرداز، ضمن تأثیرپذیری از ایدئولوژی‌ها و قدرت‌های حاکم، باورداشت‌ها و مناسبات قدرت موجود را نیز به‌چالش می‌کشد. بنابراین، طنز نوعی گفتمان است؛ گفتمانی که در لایه‌های زیرین آن انگیزه‌های اصلاح‌طلبانه و انتقاد از نابه‌سامانی‌ها نهفته است و از آن برای تقابل با ایدئولوژی‌ها، قدرت‌ها، و نظام سلطه بهره گرفته می‌شود.

گفتمان از دیدگاه زبان‌شناسان ساخت‌گرا مجموعه‌ای از جملات است که باهم ارتباط ساختاری دارند. زبان‌شناسان نقش‌گرا رابطه‌ای دوسویه میان زبان و بافت را مفروض می‌دارند. در این تعریف منظور از بافت شرایط و محیطی است که زبان مورد مطالعه در آن به‌کار رفته است. تحلیل‌گران انتقادی گفتمان نیز میان بافت کاربرد زبان و بافت‌های گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی پیوند ایجاد می‌کنند (سلطانی ۱۳۹۴: ۲۸-۳۱). در تحلیل انتقادی گفتمان به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط میان زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی ایدئولوژی، زور، قدرت و سلطه، و نابرابری در گفتمان توجه می‌شود (فرکلاف ۱۳۷۹: ۱۲). به‌طور کلی، قدرت، ایدئولوژی، و انتقاد مؤلفه‌های اصلی تحلیل انتقادی گفتمان‌اند.

یکی از الگوهای رایج در تحلیل انتقادی گفتمان الگوی ون لیوون (Van Leeuwen 1996) است. این الگو شامل مجموعه‌ای از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی است که براساس آن‌ها شیوه‌بازنمایی کارگزاران اجتماعی تحلیل و بررسی می‌شود. در این الگو منظور از کارگزاران اجتماعی مجموعه‌ای از کنش‌گرانی است که در یک رخداد، کنش اجتماعی، یا گفتمان حضور و مشارکت دارند.

مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی ون لیوون بدین ترتیب است:

حذف (exclusion) و اظهار (inclusion): براساس مؤلفه حذف یا در سراسر متن هیچ ارجاعی به کارگزاران اجتماعی دیده نمی‌شود یا نشانی از کارگزاران حذف‌شده را در بخش

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهبود فاضلی و مهرناز عسگری) ۱۹۷

دیگری از متن می‌توان مشاهده کرد (Van Leeuwen 1996: 39). سایر مؤلفه‌های این الگو در زیرمجموعه اظهار قرار می‌گیرد.

تشخص زدایی (impersonalization): کنش‌گران براساس مؤلفه تشخص‌زدایی به صورت غیرانسانی بازنمایی می‌شوند. تشخص‌زدایی به دو زیرمجموعه انتزاعی کردن (abstraction) و عینی کردن (objectivation) دسته‌بندی می‌شود. در انتزاعی کردن کارگزاران با ویژگی و صفتی که به آنان نسبت داده می‌شود بازنمایی می‌شوند. در عینی کردن نیز کارگزاران اجتماعی با ارجاعات مجازی ادراک می‌شوند؛ یعنی یا باتوجه به مکان و ابزاری که با فعالیت آنان ارتباط دارد یا با ارجاع به اندام یا گفتارشان بازنمایی می‌شوند (Van Leeuwen 2008: 46-47).

مشخص‌سازی چندموردی (overdetermination) و نامشخص‌سازی (indetermination): مؤلفه مشخص‌سازی چندموردی نیز شامل زیرمجموعه‌های وارونگی (inversion)، نمادین‌شدگی (symbolization)، دلالت ضمنی (connotation)، و فشرده‌شدگی (distillation) است. در حالت وارونگی، کنش‌گر با دو نقش متضاد و وارونه بازنمایی می‌شود. در نمادین‌شدگی، کنش‌گران خیالی، اسطوره‌ای، یا داستانی به جای کنش‌گران واقعی به کار می‌روند. در دلالت ضمنی یک کارگزار مشخص و منحصر به فرد در عین حال مقوله یا نقش دیگری را برعهده دارد. در فشرده‌شدگی نیز صفتی خاص از گروهی از مردم برگرفته و سپس به هریک از افراد آن گروه اطلاق می‌شود. در نامشخص‌سازی نیز هویت کارگزار اجتماعی ناشناخته و گم‌نام است و غالباً براساس ادات ابهام و ضمائر مبهم بازنمایی می‌شوند (پارمحمدی ۱۳۸۹: ۷۰، ۷۱).

پیوندزدن (association) و تفکیک کردن (differentiation): در پیوندزدن، کارگزاران اجتماعی در رابطه با فعالیت ویژه‌ای با یکدیگر متحد می‌شوند، اما این پیوند نهادینه و ماندگار نیست و در موضوع دیگری ممکن است این اتحاد وجود نداشته باشد. تفکیک کردن نیز با ایجاد تفاوت میان خود و دیگران ایجاد می‌شود. براساس این مؤلفه گفتمان‌مدار، یک فرد یا یک گروه از کارگزاران اجتماعی از سایر گروه‌های مشابه تفکیک می‌شود (Van Leeuwen 2008: 38-40).

نام‌دهی (nomination) و طبقه‌بندی کردن (categorization): کارگزاران اجتماعی یا از لحاظ هویت منحصر به فردشان نام‌دهی یا از لحاظ هم‌سانی و نقشی که با دیگران مشابه است طبقه‌بندی می‌شوند (Van Leeuwen 1996: 52). طبقه‌بندی نیز شامل سه زیرمجموعه

نقش‌دهی، هویت‌بخشی، و ارزش‌دهی است. در نقش‌دهی (functionalization)، کارگزاران برحسب نقشی که به آنان داده می‌شود یا کاری که انجام می‌دهند و در ارزش‌دهی (appraisal) نیز برحسب ارزشی فرهنگی یا اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند. هویت‌دهی نیز به سه گونه هویت‌بخشی مقوله‌ای (classification)، نسبتی (relational identification)، و ظاهری (physiocal identification) دسته‌بندی می‌شود. در هویت‌بخشی مقوله‌ای کنش‌گران براساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی، و تاریخی مانند نژاد، قومیت، جنس، مذهب، حرفه، و طبقه اجتماعی، در هویت‌بخشی نسبتی برحسب روابط خویشاوندی یا شغلی، و در هویت‌بخشی ظاهری براساس ویژگی‌های ظاهری بازنمایی می‌شوند (یارمحمدی ۱۳۸۹: ۷۳، ۷۴).

جنس ارجاعی (genericization) و نوع ارجاعی (specification): در مؤلفه جنس ارجاعی کارگزاران به صورت عام و در نوع ارجاعی به شیوه خاص بازنمایی می‌شوند. نوع ارجاعی به دو زیرمقوله فرد ارجاعی (individualization) و گروه ارجاعی (assimilation) تقسیم می‌شود و گروه ارجاعی هم شامل دو زیرمجموعه کلی ارجاعی (collectivization) و مجموعه ارجاعی (aggregation) است. در نوع اول به کارگزاران به صورت کلی اشاره می‌شود و در نوع دوم کارگزاران به صورت اعداد و ارقام بازنمایی می‌شوند (همان: ۷۴، ۷۵؛ یارمحمدی ۱۳۹۳: ۱۷۶).

مجموع مؤلفه‌های الگوی ون لیوون را می‌توان به دو گروه صراحت‌بخشی و پوشیده‌گویی دسته‌بندی کرد. در گروه پوشیده‌گویی، مؤلفه‌های حذف، تشخیص‌زدایی، جنس ارجاعی، طبقه‌بندی، نامشخص‌سازی، و مشخص‌سازی چندموردی قرار می‌گیرد. شاخص‌های صراحت‌بخشی کلام نیز شامل نام‌دهی، نوع ارجاعی، پیوندزدن، و تفکیک‌کردن است (یارمحمدی ۱۳۸۹: ۸۴).

بنابر نظر ون لیوون، بهتر است در تحلیل انتقادی گفتمان از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی استفاده شود، زیرا میان شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش‌های آن رابطه صددرصد مستقیمی وجود ندارد و همیشه نقش‌های دستوری با نقش‌های جامعه‌شناختی یکسان نیستند (همان: ۶۵، ۶۹). مؤلفه‌های الگوی ون لیوون با نمودهای خاص زبانی، دستوری، و بلاغی نیز پیوند می‌یابد، اما تمرکز اصلی ون لیوون بر روی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی است (Van Leeuwen 1996: 34).

در مؤلفه‌های نامشخص‌سازی، جنس ارجاعی، نوع ارجاعی، و زیرمجموعه نقش‌دهی الگوی ون لیوون با دستور زبان پیوند می‌یابد. هم‌چنین، علوم بلاغی را در تشخیص ارجاعات مجازی در زیرمجموعه عینی‌کردن و شناسایی تشبیه، استعاره، و نماد در مؤلفه مشخص‌سازی چندموردی می‌توان مشاهده کرد. بنابراین، برای تحلیل و بررسی اغلب مؤلفه‌های الگوی ون لیوون بهره‌گیری از علوم دستوری و بلاغی اجتناب‌ناپذیر است. گفتنی است در آثار طنزآمیز منتخب در بررسی مؤلفه نوع ارجاعی زیرمجموعه گروه ارجاعی ملاک بررسی قرار گرفته است. هم‌چنین، در زیرمجموعه فرد ارجاعی صرفاً به بررسی نام خداوند پرداخته شده است، زیرا در بازنمایی سایر نمونه‌های فرد ارجاعی نشانی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مشاهده نشد.

۴. بحث و بررسی

۱.۴ آسمون ریسمون از ایرج پزشک‌زاد

یکی از طنزپردازان نامی معاصر ایرج پزشک‌زاد (۱۳۰۵-۱۴۰۰) است. ابراهیم نبوی^۲ در *دانش‌نامه طنز پارسی ایرج پزشک‌زاد* را بزرگ‌ترین طنزپرداز دوره معاصر می‌داند و دو اثر برجسته *دایی جان ناپلئون* و *آسمون ریسمون* را سبب این امتیاز تلقی می‌کند. در این مقاله، کتاب *آسمون ریسمون* برای تحلیل و بررسی انتخاب شده است. این اثر در حوزه طنز مطبوعاتی قرار می‌گیرد و شامل مقالاتی است که او در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ در مجله *فردوسی* منتشر کرده است.

آسمون ریسمون در سال‌های اولیه پس از کودتای سال ۱۳۳۲ به نگارش درآمده است. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه به تثبیت قدرت خود پرداخت و با بهره‌گیری از قدرت ارتش و درآمد نفت ایران را به دیکتاتوری سلطنتی تبدیل کرد. در این برهه تاریخی «دوران کوتاه آزادی سیاسی، که ایران در زمان مصدق برخوردار شده بود، به پایان رسید: سانسور، مداخله در انتخابات، تهدید، و بازداشت خودسرانه مخالفان دوباره از سر گرفته شد» (دیگار و دیگران ۱۳۷۸: ۱۵۱). بدین ترتیب، با بررسی این اثر، می‌توان تأثیر یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی را در جریان طنزپردازی ایرج پزشک‌زاد مشاهده کرد.

او در این مقالات، ضمن اجتناب از حوزه طنز سیاسی، غالباً نابه‌سامانی‌های حوزه فرهنگ و ادب را آماج انتقاد قرار می‌دهد. برخی از این نابه‌سامانی‌ها عبارت‌اند از: سرقت ادبی؛ زبان،

ساختار، و درون‌مایه سست و سخیف برخی از آثار ادبی؛ رواج موضوعاتی چون توصیف عشق جسمانی و فرومایه و طرح مسائل جنسی در کتاب‌های ادبی و آثار مطبوعاتی، و وی، ضمن انتقاد از ابتدال فرهنگی و ادبی، از نابه‌سامانی‌ها و معایب اجتماعی نیز انتقاد می‌کند. از جمله کارگزارانی که در آسمون ریسمون هدف انتقاد طنزپرداز قرار گرفته‌اند می‌توان به وزارت فرهنگ، ادیبان، روزنامه‌نگاران، نظام دیوان‌سالاری، نظام قضایی، و سازمان برق اشاره کرد.

۲.۴ بررسی چند نمونه طنزآمیز از کتاب آسمون ریسمون براساس مؤلفه‌های

الگوی ون لیوون

۱.۲.۴ طبقه‌بندی

مؤلفه طبقه‌بندی با فراوانی ۴۷/۹ درصد پُربسامدترین مؤلفه در آسمون ریسمون به‌شمار می‌رود. ایرج پزشکزاد در این روش غالباً کنش‌گران را براساس هویت‌بخشی مقوله‌ای و نقش‌دهی بازنمایی می‌کند؛ بدین صورت که ادیبان و روزنامه‌نگاران را براساس نقش و حرفه‌شان به‌صورت شاعر، نویسنده، استاد، هنرمند، و ... بازنمایی و از گرایش‌ها، موضوعات ادبی، ساختار، و زبان آثار ادبی آنان انتقاد می‌کند.

مثلاً، این طنزپرداز در مقاله زیر از نویسندگانی انتقاد می‌کند که در روزنامه‌ها و مجلات قشرهای گوناگون جامعه را مورد هجمه قرار می‌دهند؛ چنان‌که گویی این نویسندگان با همه سر جنگ دارند. وی در این مثال کنش‌گران «نویسنده»، «خواننده»، «نوازنده»، «هنرمند»، و «کارمند» را به‌شیوه ترکیب اسم و بن فعل باوندهای مختلفی، که بر شغل و نقش دلالت می‌کند، بازنمایی می‌نماید:

فکر می‌کنم امسال زمین روی شاخ گاو وحشی می‌چرخد، زیرا بسیاری از نویسندگان جنگی و شاخی شده‌اند ... جوان‌ها به خوانندگان، نوازندگان، و هنرمندان می‌تازند. نویسندگان معمر و معنون به اعضای عالی‌رتبه دولت و طبقات مختلف کارمندان حمله می‌کنند و ... (پزشکزاد بی‌تا: ۵).

۲.۲.۴ تشخیص‌زدایی

بسامد مؤلفه تشخیص‌زدایی در آسمون ریسمون ۸/۷ درصد است. وزارت فرهنگ از جمله کارگزارانی است که براساس مؤلفه تشخیص‌زدایی و زیرمجموعه مکان‌مداری بازنمایی شده

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهزود فاضلی و مهرناز عسگری) ۲۰۱

است. در مثال زیر ایرج پزشک‌زاد از عملکرد این وزارت‌خانه، به دلیل به کارگیری شمار بسیاری از مؤلفان، برای تدوین کتاب کم‌حجم *تعلیمات اجتماعی* سال پنجم دبیرستان به شیوه کنایه طنزآمیز انتقاد می‌کند:

... اکنون اسم کتاب را برای استفاده علاقه‌مندان ذکر می‌کنیم: *تعلیمات اجتماعی و مدنی* برای سال پنجم دبیرستان‌ها، تألیف آقایان: دکتر احمد متین‌دفتری، محسن حداد، نصرت‌الله حکیمی، و ...

در هر حال، این موفقیت را به وزارت فرهنگ تبریک می‌گوییم ... زیرا این نوع تألیفات چیزی نیست که مثل فرهنگ دهخدا از عهده یک نفر برآید (همان: ۱۴۸، ۱۴۹).

۳.۲.۴ مشخص‌سازی چندموردی و نامشخص‌سازی

کاربرد مؤلفه مشخص‌سازی چندموردی در *آسمون ریسمون* اندک بوده و بسامد آن ۱/۱ درصد است. مثلاً، در عنوان یکی از مقالات ادیبانی را که درباره شیوه جدا یا پیوسته نوشتن حرف «به» اظهار نظر کرده‌اند به صورت نمادین‌شدگی «طوطیان هند» می‌نامد (همان: ۸۲).

بسامد مؤلفه نامشخص‌سازی ۵/۲ درصد است. ایرج پزشک‌زاد غالباً از صفات و ضمائر مبهم برای بازنمایی ادیبان و نویسندگان استفاده نمی‌کند. هم‌چنین، در صورت استفاده از این مؤلفه نیز هویت خاص ادیبان را در بخش‌های دیگری از متن مشخص می‌کند و از مشخص کردن هویت ادیبانی که مرجع ادات ابهام‌اند ابایی ندارد. اما گاهی از این مؤلفه برای بازنمایی سایر کارگزاران از جمله برخی کنش‌گران در نمایش‌نامه‌ها بهره می‌جوید.

مثلاً، در نمایش‌نامه‌ای که ایرج پزشک‌زاد به تقلید طنزآمیز از یکی از اشعار پژمان بختیاری^۳ نوشته است می‌توان نمونه‌هایی از کاربرد ضمائر مبهم را در بازنمایی کنش‌گران مشاهده کرد:

... استاد و ممدخان هرکس را در راه‌روها می‌بینند سراغ خوارزم‌شاه را از او می‌گیرند ... (استاد به اتفاق ممدخان به حیاط می‌رود. عده‌ای در آنجا مشغول ورزش هستند) (مرد قوی‌هیکی که مشغول بلندکردن هالتر است به طرف او می‌آید). مرد: با خوارزم‌شاه چه کار دارید؟ استاد: (مار غاشبه را نشان می‌دهد). می‌خواستم او را در کام این مار غاشبه بیندازم. مرد: خوارزم‌شاه خود من هستم ... (همان: ۲۱).

۴.۲.۴ جنس ارجاعی و حذف

در *آسمون ریسمون*، بسامد مؤلفه جنس ارجاعی ۱/۸ درصد و حذف نیز ۲/۱ درصد است. ایرج پزشکزاد در یکی از نمونه‌های مؤلفه جنس ارجاعی آرای حبیب‌الله نوبخت^۴ را در کتاب *فازلیسم*، که نفی‌کننده اتحاد و یک‌پارچگی ملت است، به‌سخره می‌گیرد:

فیلسوف محترم، آقای نوبخت، در کارت یکم تحت عنوان «مردم ایران نه ملت‌اند و نه توده، بلکه دودمان‌های نژادی» می‌نویسند و ثابت می‌کنند که «دودمان ما را هرگز ملت نمی‌توان گفتن، بلکه هر فردی از افراد ما می‌باید گروهی باشد» (همان: ۵۲).

وی در یکی از نمایش‌نامه‌ها از رواج فرزندسالاری و شیوه نادرست تعلیم و تربیت کودکان در نظام آموزشی جدید انتقاد می‌کند و کنش‌گرانی را که مجری این سیاست‌های آموزشی‌اند به‌شیوه مؤلفه حذف بازنمایی می‌کند.

«قربان، بنده آموزگارم. چند روز پیش، یکی از بچه‌ها سر کلاس تخته‌پاک‌کن را به‌سرم زد. گفتم: "از کلاس بیرون می‌کنم". جواب داد: "غلط می‌کنی". من هم از کلاس اخراجش کردم ... دیروز به خدمت بنده خاتمه دادند ...» (همان: ۷۰).

۵.۲.۴ نام‌دهی

دومین مؤلفه پُربسامد در *آسمون ریسمون* نام‌دهی است و ۲۹/۲ درصد از کارگزاران براساس این مؤلفه بازنمایی شده‌اند. ایرج پزشکزاد، با کاربرد مؤلفه نام‌دهی، هویت عوامل ایجاد ابتذال و نابه‌سامانی فرهنگی و ادبی را در دهه ۱۳۳۰ با صراحت بازنمایی می‌کند. اما باید به این نکته اشاره کرد که این گروه از جامعه، یعنی ادیبان، از پایه‌های قدرت سیاسی و مذهبی در کشور به‌شمار نمی‌آیند و انتقاد از آنان ممکن است صرفاً باعث رنجش و دل‌گیری آنان از طنزپرداز شود. بدین ترتیب، ایرج پزشکزاد در عرصه‌ای امن به‌جانب صراحت‌گویی متمایل شده است.

مثلاً، این طنزپرداز در یکی از مقالات حسین‌قلی مستعان^۵ را براساس مؤلفه نام‌دهی بازنمایی می‌کند و از سرقت ادبی وی در کتاب *عشق مقدس* پرده برمی‌دارد:

هفته گذشته یکی از کتاب‌های پُرتیراژ آقای حسین‌قلی مستعان به اسم *عشق مقدس* به‌دستم رسید؛ کتاب بسیار جالبی بود ... فقط جناب سید شهابت زیادی بین این کتاب و کتاب *عروس کربلا*، اثر جرجی زیدان، که بیست سی سال پیش به فارسی ترجمه

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهبود فاضلی و مهرناز عسگری) ۲۰۳

شده است، مشاهده کرد. به این ترتیب که هر دو کتاب مربوط به وقایع کربلاست ... (همان: ۱۴۹).

۶.۲.۴ نوع ارجاعی

در کتاب آسمون ریسمون بسامد مؤلفه نوع ارجاعی ۲/۸ درصد، مؤلفه پیوندزدن ۰/۳ درصد، و مؤلفه تفکیک کردن ۰/۴ درصد است. ایرج پزشکزاد در یکی از نمونه‌های مؤلفه نوع ارجاعی از گونه زیرمجموعه ارجاعی به نقد کتاب تذکره شعرای معاصر اصفهان می‌پردازد و کثرت شاعران اصفهانی را در این کتاب به‌سخره می‌گیرد:

کتاب بسیار جالبی که در هفته گذشته دیدم تذکره شعرای معاصر اصفهان است که شرح حال و نمونه اشعار چهارصد و هشتاد و شش (۴۸۶) نفر از شعرای معاصر اصفهان و توابع و مؤلف آن آقای مصلح‌الدین مهدوی است ... به قول سیدابوطالب خان، اگر تمام تاریخ ادبی انگلستان و فرانسه را از میلاد مسیح تاکنون بشماریم، به این ارقام نمی‌رسد (همان: ۱۷۵).

۷.۲.۴ پیوندزدن و تفکیک کردن^۶

ایرج پزشکزاد در نقد کتاب فزلیسم از حبیب‌الله نوبخت، با کاربرد تکنیک طنزپردازی نقل قول مستقیم، اعتقاد این نویسنده را در باب برترانگاری نژاد آریایی به‌سخره می‌گیرد. حبیب‌الله نوبخت در این کتاب با انتقاد از پیونددهی سعدی میان ابنای بشر از مؤلفه تفکیک کردن استفاده می‌کند و نژاد آریایی را از نژادهایی چون زامیک و رنگین برتر می‌داند:

آقای نوبخت در کارت «یابوی ترکمنی و اسب تازی» می‌نویسند: «... استاد بزرگ ما، سعدی، اگر گفته است بنی آدم اعضای یکدیگرند و در آفرینش از یک گوهر، چشم حق‌بین خود را برهم نهاده و شعر گفته و برخلاف طبیعت است که بشر یک ارگان از ارگان‌های حیوان به‌شمار برود ... یابوی خراسانی هرگز نخواهد توانست از یک اسب تیزگام پیش افتد ... نژادهای زامیک و رنگین نیز با نژاد آریایی نتوانند در میدان تمدن و فرهنگ گوی سبقت را بردن ... (همان: ۵۳، ۵۴).

۳.۴ کتاب یادداشت‌های بدون تاریخ از جواد مجابی

جواد مجابی (۱۳۱۸) از مهم‌ترین طنزپردازان معاصر به‌شمار می‌رود و در حوزه‌های گوناگون هنری، ادبی، و پژوهشی نیز به‌فعالیت پرداخته است. وی کتاب یادداشت‌های بدون

تاریخ را نخستین بار در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۷ در روزنامه‌/اطلاعات به صورت یادداشت‌های طنزآمیزی منتشر کرده است. روزگار پُراختنایی که وی در مقدمه کتاب آن را «روزگار حبس و وقف»^۷ می‌نامد.

درون‌مایه اصلی یادداشت‌های بدون تاریخ انتقاد از جنبه‌های گوناگون زندگی بشر است؛ از جمله مضامین طنزآمیز این اثر می‌توان به طنز سیاسی، طنز اجتماعی، طنز اخلاقی، طنز فرهنگی، و طنز ادبی اشاره کرد. مهم‌ترین گرایش‌ها و نگرش‌های جواد مجابی در این یادداشت‌ها عبارت‌اند از: طعنه به آفرینش بشر؛ انتقاد از صفات ناپسند اخلاقی و عملکرد انسان در زندگی؛ مخالفت با عدم جهان‌بینی و حرکت گله‌وار بشر در مسیر زندگی؛ انتقاد از دیکتاتوری؛ لزوم اتحاد بشر برای رسیدن به آزادی؛ میهن‌پرستی؛ انتقاد از نظام سرمایه‌داری و نابه‌سامانی‌های ادبی.

۴.۴ تحلیل و بررسی چند نمونه طنزآمیز از یادداشت‌های بدون تاریخ براساس مؤلفه‌های الگوی ون لیون

۱.۴.۴ طبقه‌بندی

پُرسامدترین مؤلفه در یادداشت‌های بدون تاریخ مؤلفه طبقه‌بندی است و فزونی آن ۴۰/۴ درصد است. این بسامد بر پوشیده‌گویی بالای کلام جواد مجابی دلالت می‌کند. مثلاً، در «قصه‌های جد بزرگوار» کارگزار «جد من» به شیوه مؤلفه طبقه‌بندی و هویت‌بخشی نسبتی بازنمایی شده است. هم‌چنین، قرائن لفظی و معنوی بیان‌گر این است که طنزپرداز در قالب داستان‌های تمثیلی با بازنمایی کنش‌گران سیاسی و اجتماعی گوناگون به شیوه هویت‌بخشی نسبتی و نمادین‌شدگی «جد بزرگوار» از مسائل سیاسی و اجتماعی گوناگون انتقاد می‌کند. در یکی از داستان‌ها، تغافل و سکوت همگان در برابر رویش شاخ بر سر «جد بزرگوار» نشان‌دهنده فضای استبدادی جامعه و بیم از انتقاد در برابر معایب صاحبان قدرت است:

جد بزرگوار ... پوست سرش آرام و بی‌خون‌ریزی شکافت و یک شاخ کهربایی‌رنگ از فرق مبارک تتق زد ... روز اول بر جد بزرگوار جهنمی گذشت. کافی بود یک نفر بفهمد رئیس مؤسسه «حلزون و شرکا» شاخ درآورده است ... در خانه مدت‌ها با کلاه نشست ... بیچۀ کوچک یک‌دفعه از پشت مبل پرید کلاه از سر ایشان برگرفت، هیچ‌کس نخندید و حتی تعجب نکرد. حرفی از شاخ نوظهور به‌میان نیامد. علی‌مردان‌خان حیران به‌جای

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهزاد فاضلی و مهرناز عسگری) ۲۰۵

ماند، از ترس حرفی نمی‌زدند یا از روی ادب؟ ... حتی کارمندان دون‌اشل، ارباب‌رجوع، یا خدمت‌کار منزل هم از آن سخنی به‌میان نیاورد ... (مجابی ۱۳۵۸: ۱۳۱، ۱۳۲).

۲.۴.۴ مشخص‌سازی چندموردی

مؤلفه مشخص‌سازی چندموردی، با فراوانی ۱۳/۴ درصد، دومین مؤلفه پُرسامد در یادداشت‌های بدون تاریخ است. در این مؤلفه، زیرمجموعه‌های وارونگی و نمادین‌شدگی فزونی بیش‌تری دارد. کاربرد گسترده این زیرمجموعه‌ها، علاوه بر افزایش پوشیدگی کلام، بر وجه ادبی این اثر نیز افزوده و آن را از یک طنز ساده روزنامه‌ای متمایز کرده است.

جواد مجابی در برخی یادداشت‌ها از استبداد و دیکتاتوری انتقاد می‌کند. وی در این انتقادهای کارگزاران صاحب قدرت مستبد روزگار خود را براساس هویت خاص یا شغل و حرفه بازنمایی نمی‌کند و از رویارویی مستقیم با آنان اجتناب می‌کند. رویکرد طنزپرداز در این زمینه بر ممانعت رژیم پهلوی از ایجاد فضای باز سیاسی پس از کودتای سال ۱۳۳۲ دلالت می‌کند.

مثلاً، جواد مجابی در قطعه زیر، به‌جای انتقاد مستقیم از صاحبان قدرت مستبد عصر خود، از مؤلفه نمادین‌شدگی بهره می‌گیرد و از عملکرد مستبدانه تیمور لنگ انتقاد می‌کند:

مردی از تیمور لنگ پرسید: «ادب از که آموختی؟». گفت: «از مورچه». مرد پرسید: «مورچه چه ربطی به ادب دارد؟». تیمور دستور داد زبان آن مرد را بریند و پیش مورچه‌ها انداختند.

از تیمور لنگ پرسیدند: «چه شد که جهان را گرفتی؟». گفت: «این درس را از مورچه‌ای آموختم، از مردمانی چون این مورچه». مورچه‌ای را گرفت و بین دو انگشت له کرد. حاضران مصلحت دیدند که وانمود کنند قضیه را به‌درستی فهمیده‌اند (همان: ۲۰، ۲۱).

۳.۴.۴ تشخیص‌زدایی و نامشخص‌سازی

بسامد مؤلفه تشخیص‌زدایی در یادداشت‌های بدون تاریخ ۷/۴ درصد و مؤلفه نامشخص‌سازی نیز ۱۰/۶ درصد است. مثلاً، جواد مجابی در مثال زیر کارگزاران اداری مؤثر در مشکلات و سختی معیشت اهالی جنوب کشور را به‌شیوه مکان‌مداری بازنمایی می‌کند و با پنهان‌سازی هویت خاص آنان از صراحت انتقاد خود می‌کاهد:

«با یک بندری صحبت می‌کردم. گفتم: ”چه کار می‌کنی؟“ گفت: ”سابقاً بخورونمیری بود از راه صید ماهی و قاچاق اجناس خارجی. حالا یک اداره صید ماهی را از دست ما گرفته، اداره‌ای دیگر راه قاچاق را بر ما بسته ...“» (همان: ۱۱۵).

جواد مجابی در یکی از یادداشت‌ها به انتقاد از عوامل واقعه رضوان‌شهر می‌پردازد. در این حادثه عده‌ای از عزاداران حسینی، به دلیل قطعی ناگهانی برق، از مسجد سراسیمه می‌گریزند و نوزده تن زن و کودک زیر پا له می‌شوند. این طنزپرداز این حادثه را ناشی از روحیه فاسدی می‌انگارد که به علت بی‌ایمانی و بی‌اخلاقی دامن‌گیر گروهی شده است. وی، با تأکید بر میهن‌پرستی، از وطن‌فروشان نیز انتقاد می‌کند. او با بازنمایی کنش‌گران این واقعه، بر اساس مؤلفه نامشخص‌سازی، ضمن پنهان‌سازی هویت آنان، زشتی عملکردشان را نشان می‌دهد:

این روحیه که به علت بی‌ایمانی و بی‌اخلاقی دامن‌گیر گروهی شده ... چون طاعون کشنده است: به‌خوداندیشیدن و جمع را نادیده گرفتن ... آیا گریختگان رضوان‌شهر دنباله‌روی آن گروه نیستند که با مصلحت‌اندیشی‌های یهوداوار زندگی و وطنشان و ایمانشان تبدیل به ارقامی شده که به راحتی می‌تواند از یک حساب داخلی به بانک خارجی منتقل شود؟ ... آن‌که در تاریکی یا از تاریکی می‌گریزد ... سال‌ها بعد ... خاطره قربانیان را به یاد خواهد آورد که آن شب بی‌پناه و سرگردان نه توان گریز داشتند و نه پروای آن ... (همان: ۹۷، ۹۸).

۴.۴.۴ حذف و جنس ارجاعی

بسامد مؤلفه حذف در یادداشت‌های بدون تاریخ ۱/۳ درصد و فراوانی مؤلفه جنس ارجاعی نیز ۱۰/۳ درصد است. کاربرد مؤلفه جنس ارجاعی را در این اثر در قالب واژگانی چون «انسان»، «مردم»، و «آدم» می‌توان مشاهده کرد. به‌طور کلی، جواد مجابی بیش‌تر تمایل دارد تا کنش‌گران را به شیوه عام و کلی بازنمایی کند. این امر بر کل‌نگری و محدودنشدن دیدگاه وی به امور جزئی و مصادیق فردی دلالت می‌کند. چنان‌که او بیش‌تر زشتی‌های صفات و رفتار را به بشر یادآوری می‌کند تا این‌که صرفاً از یک فرد خاص بر این مبنا انتقاد کند:

«شگفتا که در همه‌چیز شک می‌کنیم، جز در انسان‌بودن خود ... لابد همان‌قدر که ما آدم‌ها به انسانیت می‌نازیم، جانوران هم به حیوانیت خود می‌بالند. گرچه گمان ندارم آن‌ها این‌قدر خودپسند شده باشند» (همان: ۳۲).

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهرداد فاضلی و مهرناز عسگری) ۲۰۷

جواد مجابی در مثال زیر مسئولانی را که در برابر تنگی معیشت و سختی شرایط زندگی کارگران جزیره هرمز بی تفاوت‌اند با مؤلفه حذف بازنمایی می‌کند:

«نزدیک هزار نفر هستیم که به امان خدا رهامان کرده‌اند. آب را غالباً با لنج از بندرعباس یا بندری نزدیک‌تر می‌آورند. اگر یک روز آب نیاورند، از تشنگی هلاک می‌شویم ...» (همان: ۱۱۴).

۵.۴.۴ نام‌دهی

بسامد مؤلفه نام‌دهی در یادداشت‌های بدون تاریخ ۱۳/۲ درصد است. جواد مجابی از این مؤلفه در برخی موارد برای بازنمایی کنش‌گران تاریخی، چون ارسطو، فردوسی، و امام حسین (ع)، یا کارگزارانی که دیگر در قید حیات نیستند بهره می‌جوید. بدین ترتیب، در این بخش نیز تاحدودی از صراحت کلام طنزپرداز در کاربرد مؤلفه نام‌دهی کاسته می‌شود. مثلاً، جواد مجابی در یکی از یادداشت‌ها از محتوای اشعار، فسق و فجور اخلاقی، و انگیزه‌های سرودن اشعار ایرج میرزا انتقاد می‌کند:

«به‌نظر من، ایرج مظهر عصر خود بود؛ عصر انحطاط. خاقان‌زاده عیاش خوش‌ذوق و بی‌بندوباری که از موهبت طبع روان بهره‌مند بود، لکن خاستگاه فکری مشخصی نداشت» (همان: ۸۹).

هم‌چنین، این طنزپرداز از این مؤلفه برای بازنمایی کنش‌گران حوزه فرهنگ و ادب روزگار خود، که در آن زمان در قید حیات بودند، بهره می‌گیرد. انتقاد از این کارگزاران، برخلاف سایر کنش‌گران سیاسی، اجتماعی، و مذهبی، عواقب سنگینی ایجاد نمی‌کند. این نکته را باید بیان کرد که جواد مجابی از این مؤلفه در بازنمایی کنش‌گران سیاسی رژیم پهلوی استفاده نمی‌کند. این امر نیز بر فضای بسته سیاسی و خودداری او از رویارویی با این صاحبان قدرت دلالت می‌کند.

۶.۴.۴ نوع ارجاعی

کاربرد مؤلفه نوع ارجاعی در یادداشت‌های بدون تاریخ اندک بوده و بسامد آن ۲/۰۵ درصد است. جواد مجابی در یکی از نمونه‌های کاربرد این مؤلفه جماعت آمریکایی را به‌شیوه کلی ارجاعی بازنمایی می‌کند، پیشینه فرهنگی آنان را به‌چالش می‌کشد، و جماعت سرخ‌پوستان را بر آنان برتری می‌دهد. به‌طور کلی، این طنزپرداز در حوزه سیاست، فرهنگ، و هنر در برابر آمریکایی‌ها رویکرد متقدانه‌ای اتخاذ می‌کند:

... خاصه این جماعت ینگه‌دنیایی که نه پیشینه هنری درست و حسابی دارند تا از ویران کردن آن با این ادا و اطوار آرتیستی بهر اسند ... در عوض، پول داشته‌اند ... به یاری دلالان زرنگ، هنرمندان دنیا را از روس تا ژاپن تا آفریقا به شهرهای خود کشانده‌اند. موزه‌هایشان نمایشگاه هنر کشورهای دیگر است. تنها هنرشان قلع و قمع سرخ‌پوستانی بود که فرهنگی دیرپا داشتند (همان: ۴۸).

۷.۴.۴ پیوندزدن و تفکیک کردن

بسامد اندک مؤلفه پیوندزدن در یادداشت‌های بدون تاریخ ۰/۱۷ درصد و مؤلفه تفکیک کردن نیز ۰/۸ درصد است. از جمله نمونه‌های مؤلفه پیوندزدن در این یادداشت‌ها موردی است که در آن جواد مجابی در زمینه انتقاد از اساس آفرینش و عملکرد انسان با شیطان هم‌داستان می‌شود و مانند شیطان به این آفرینش نابه‌هنجار طعنه می‌زند:

من خنده‌هایم را، آنچه به‌جا یا که بی‌جاست، وام‌دار شیطانم. چرا عصیان او، اولین عاصی جهان، را نیز به‌وام نستانم؟ عصیانی که از خنده می‌زاید، خنده بر آفرینشی که به‌هنجار نیست و خندیدن به هرآنچه شما، ای آدمیان، در این پریشان‌سرا پیش چشم من آورده‌اید ... (همان: ۶۶).

از جمله نمونه‌های کاربرد مؤلفه تفکیک کردن می‌توان به انتقاد طنزپرداز از «خودحق‌پنداری» آدمیان اشاره کرد. او با یادآوری رواج بی‌حقی در دنیا این خودحق‌پنداری در میان فرقه‌های مختلف را به‌سخره می‌گیرد:

در سفر کرمانشاه، فرصتی شد تا به محفل «اهل حق» راه یابم ... یکی از آنان که پیرشان بود گفت: «ما کلام اصلی خود را در این محفل نخواهیم خواند ... چراکه شما اهل مجازید». دیدم که اینان نیز چون هر فرقه دیگر خود را برحق می‌دانند و دیگران را اهل مجاز. شگفتا که همه اهل حق‌اند و دنیا چنین گرفتار بی‌حقی است (همان: ۶۱، ۶۲).

۵. جدول‌های بررسی کمی پژوهش

برای بررسی میزان پوشیدگی کلام در این پژوهش از فرمول زیر بهره گرفته شده است:

مجموع ارجاعات پوشیده $\times 100$

میزان رازگونگی متن =

کل ارجاعات پوشیده و صریح

تحلیل انتقادی گفتمان آثار طنزآمیز آسمون ریسمون ... (مهزاد فاضلی و مهرناز عسگری) ۲۰۹

جدول ۱. بسامد مؤلفه‌های الگوی ون لیوون در نمونه‌های برگزیده کتاب آسمون ریسمون از ایرج پزشکزاد

طبقه‌بندی	تخصص‌زدایی	چندموردی	مشخص‌سازی	نام‌شخص‌سازی	حذف	جنس ارجاعی	نام‌دهی	نوع ارجاعی	پیوندزدن	تفکیک‌کردن
۸۰۷ مورد	۱۴۷ مورد	۲۰ مورد	۸۸ مورد	۵۲ درصد	۳۶ مورد	۳۱ مورد	۴۹۲ مورد	۴۸ مورد	۶ مورد	۷ مورد
۴۷٫۹ درصد	۸۷ درصد	۱٫۱ درصد	۵٫۲ درصد	۲٫۱ درصد	۱٫۸ درصد	۲۹٫۲ درصد	۲٫۸ درصد	۰٫۳ درصد	۰٫۴ درصد	

میزان پوشیدگی کلام: ۶۷٫۱ درصد

جدول ۲. بسامد مؤلفه‌های الگوی ون لیوون در نمونه‌های برگزیده کتاب یادداشت‌های بدون تاریخ از جواد مجابی

طبقه‌بندی	تخصص‌زدایی	چندموردی	مشخص‌سازی	نام‌شخص‌سازی	حذف	جنس ارجاعی	نام‌دهی	نوع ارجاعی	پیوندزدن	تفکیک‌کردن
۷۰۸ مورد	۱۳۱ مورد	۲۳۶ مورد	۱۸۶ مورد	۱۰٫۶ درصد	۲۳ مورد	۱۸۱ مورد	۲۳۱ مورد	۳۶ مورد	۳ مورد	۱۴ مورد
۴۰٫۴ درصد	۷٫۴ درصد	۱۳٫۴ درصد	۱۰٫۶ درصد	۱٫۳ درصد	۱۰٫۳ درصد	۱۳٫۲ درصد	۲۰٫۵ درصد	۰٫۱۷ درصد	۰٫۸ درصد	

میزان پوشیدگی کلام: ۸۳٫۷ درصد

۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به پرسش اول این مقاله، یعنی تأثیر مناسبات قدرت و ایدئولوژی‌های حاکم بر دوره پس از کودتای سال ۱۳۳۲، تا پایان حکومت پهلوی دوم بر شیوه بازنمایی کارگزاران و میزان صراحت و پوشیدگی کلام دو طنزپرداز منتخب می‌توان گفت میزان پوشیدگی کلام در کتاب آسمون ریسمون ۶۷٫۱ درصد است. مطابق با فرضیه مطرح شده، ایرج پزشکزاد در این برهه زمانی تحت تأثیر محدودیت‌های حاکم از ورود به حوزه پُرخطر سیاست و

رویاری با ارکان مهم قدرت اجتناب می‌کند. او غالباً برای بازنمایی کنش‌گران از دو مؤلفه طبقه‌بندی و نام‌دهی بهره می‌گیرد؛ از مؤلفه نام‌دهی نیز بیش‌تر در بازنمایی کنش‌گران فرهنگی، ادبی، و داستانی استفاده می‌کند. در این نمونه‌ها تاحدودی از صراحت این مؤلفه کاسته می‌شود. بدین ترتیب، بنابر فرضیه مطرح‌شده، صراحت‌گویی ایرج پزشکشزاد در این برهه زمانی در حوزه طنز ادبی و فرهنگی افزایش می‌یابد.

از آن‌جاکه این مقالات پس از واقعه کودتای سال ۱۳۳۲ به‌نگارش درآمده، احتمالاً این طنزپرداز، تحت‌تأثیر فضای سرکوب و سانسور آن دوره زمانی، با رعایت احتیاط از عرصه سیاست دوری جسته است و حوزه کم‌خطر فرهنگ و ادب و تاحدودی نابه‌سامانی‌های اجتماعی را دست‌مایه انتقاد خود قرار داده است.

بررسی آماری در *یادداشت‌های بدون تاریخ نشان‌دهنده* این است که میزان پوشیدگی کلام در این اثر ۸۳٫۷ درصد است. درصد بالای پوشیدگی کلام در این یادداشت‌ها نشان‌دهنده رعایت احتیاط جواد مجابی در فضای بسته سیاسی رژیم پهلوی در سال‌های دهه ۱۳۵۰ است. این طنزپرداز در حوزه طنز سیاسی بیش‌تر به کاربرد مؤلفه مشخص‌سازی چندموردی تمایل دارد. این مؤلفه، علاوه‌بر افزایش پوشیده‌گویی، بر وجه ادبی طنز کلام او نیز افزوده و آن را از یک نثر ساده روزنامه‌ای متمایز کرده است.

در زمینه کاربرد مؤلفه نام‌دهی نیز این طنزپرداز، با بازنمایی کنش‌گران تاریخی و هم‌چنین کنش‌گران فرهنگی و ادبی معاصر خود، حوزه‌های کم‌خطری را برای بهره‌گیری از صراحت‌بخش‌ترین مؤلفه الگوی ون لیوون برگزیده است. بررسی مؤلفه جنس‌ارجاعی نیز در این اثر نشان‌دهنده این است که وی، با گسترش افق دید خود، به‌جای تمرکز بر فرد خاص، از نابه‌سامانی‌ها و ناپسندی‌های رفتار بشری انتقاد می‌کند.

مطابق با فرضیه مطرح‌شده، طنزپردازان منتخب با کاربرد مؤلفه حذف از انتقاد از نهاد سلطنت و روحانیت اجتناب می‌کنند. این امر را می‌توان با عواملی چون تأثیر رواج‌گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی و مقاومت شیعی در آن برهه زمانی، توسعه‌نیافتن سیاسی در کشور پس از کودتای ۱۳۳۲، بیم از خطر تکفیر روحانیون، و احتیاط‌اندیشی این طنزپردازان توجیه کرد.

مطابق با پرسش دوم این پژوهش، یعنی بررسی پُربسامدترین مؤلفه‌های الگوی ون لیوون در آثار طنزآمیز منتخب، مشخص شد که مؤلفه پوشیده‌گویی طبقه‌بندی در هر دو اثر بیش‌ترین بسامد را دارد؛ طنزپردازان نیز در بسیاری از نمونه‌ها کنش‌گران را براساس شغل،

حرفه، منصب اجتماعی، جنسیت، و ... بازنمایی کرده‌اند. برخلاف فرضیه مطرح شده، صرفاً مؤلفه‌های پوشیده‌گویی در آثار طنزآمیز جزو مؤلفه‌های پُرسامد محسوب نمی‌شوند. چنان‌که مؤلفه صراحت‌بخشی نام‌دهی در آسمون ریسمون دومین مؤلفه پُرسامد و در یادداشت‌های بدون تاریخ سومین مؤلفه پُرسامد به‌شمار می‌رود. این نکته را باید بیان کرد که طنزپردازان یادشده از کاربرد این مؤلفه در بازنمایی کنش‌گران سیاسی اجتناب می‌کنند و غالباً کنش‌گران ادبی، فرهنگی، و اجتماعی داستانی را براساس آن بازنمایی می‌کنند. بنابراین، صراحت‌گویی طنزپردازان در حوزه‌هایی که عواقب و بازخواست کم‌تری دارد شدت بیش‌تری می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیداصغر سلطانی در کتاب قدرت، گفتمان، و زبان اصطلاح «critical discourse analysis» را به‌صورت «تحلیل انتقادی گفتمان» ترجمه کرده است. در این مقاله در کاربرد این اصطلاح مطابق با ترجمه کتاب یادشده عمل شده است.
۲. روزنامه‌نگار، طنزپرداز، و پژوهش‌گر حوزه طنز.
۳. محقق، مترجم، و شاعر معاصر (۱۲۷۹-۱۳۵۳).
۴. نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار، شاعر، و نماینده مجلس شورای ملی در دوره ششم و هفتم.
۵. مترجم و داستان‌نویس.
۶. برای مشاهده نمونه‌های بیش‌تر مؤلفه پیوندزدن و تفکیک‌کردن، بنگرید به همان: ۱۴، ۲۱، ۹۴، ۱۱۸، ۱۴۹، ۲۰۵، و ...
۷. بنگرید به مجابی ۱۳۵۸: ۳.

کتاب‌نامه

- ابدالی، اعظم و جهان‌گیر صفری (۱۳۹۹)، در «بررسی رمان شب ملخ اثر جواد مجابی از منظر شگردهای طنزپردازی»، پژوهش‌نامه ادبیات داستانی، دوره ۹، ش ۲.
- پزشکزاد، ایرج (بی‌تا)، آسمون ریسمون، بی‌جا: سازمان کتاب‌های جیبی.
- تجلی، اطهر و طاهره نعمت‌الهی (۱۳۹۲)، «تکنیک‌های طنزآفرینی در آثار ایرج پزشکیزاد»، هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، زنجان.

- خسروی، مهدی و علی‌اکبر امینی (۱۳۹۸)، «نقش طنز مطبوعاتی در آگاهی جامعه و نقد عملکرد نهادهای قدرت (مطالعه موردی: انتخابات مجالس شورای ملی در دوران پهلوی دوم)»، نشریه علمی دانش سیاسی، س ۱۵، ش ۱.
- دیگار، ژان پیر و دیگران (۱۳۷۸)، *ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ایران در یک صد سال اخیر*، ترجمه عبدالرضا مهدوی، تهران: البرز.
- رشیدی، فریبا و رضا صادقی شهپر (۱۳۹۹)، «شیوه‌های نام‌گذاری عنوان‌ها و شخصیت‌های داستانی در داستان‌های معاصر (مطالعه موردی: داستان‌های ایرج پزشکزاد، ابوالقاسم پاینده، خسرو شاهانی، فریدون تنکابنی)»، ماهنامه تخصصی *بهار ادب*، س ۱۳، ش ۷.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۴)، *قدرت، گفتمان، و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نی.
- صدر، رؤیا (۱۳۹۵)، *سیزده گفت‌وگو: اندیشیدن با طنز*، تهران: مروارید.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- کریجلی، سیمون (۱۳۸۴)، *در باب طنز*، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
- مجبایی، جواد (۱۳۵۸)، *یادداشت‌های بدون تاریخ: مجموعه طنزها و طرح‌های جواد مجبایی*، تهران: امیرکبیر.
- موریل، جان (۱۳۹۲)، *فلسفه طنز: بررسی طنز از منظر دانش، هنر، و اخلاق*، ترجمه محمود فرجامی و دانیال جعفری، تهران: نی.
- موسوی، عبدالجواد (۱۳۸۸)، *کتاب طنز ۵*، تهران: سوره مهر.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۹)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳)، *درآمدی به گفتمان‌شناسی*، تهران: هرمس.

Van Leeuwen, T. (1996), "The Representation of Social Actors", in: *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis*, Carmen Rosa Caldas-Coulthard and Malcolm Coulthard (eds.), London and New York: Routledge.

Van Leeuwen, T. (2008), *Discourse and Practice: New Tools for Critical Discourse Analysis*, Oxford: University Press.